تسهیلات گمرکی و بیمه‌ای برای شرکت‌های دانش‌بنیان

تورج امرایی، معاون توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان: در دوره جنگ، ۲۸ مورد معافیت حقوق گمرکی و معافیت بند ۱ ماده ۳۸ قانون برای تسریع در ترخیص محموله‌های شرکت‌های دانش‌بنیان صادر شد. همچنین ۴۵ مورد معافیت ضریب حق بیمه قراردادها برای کاهش هزینه‌های کارفرمایی این شرکت‌ها اعمال شده است.

نظارت بر مرسولات پستی برای مقابله با قاچاق

محمد احمدی، مدیرعامل شرکت ملی پست: شبکه‌های فیزیکی در حوزه‌هایی نظیر قاچاق کالا و موادمخدر یا مسائل حساس امنیتی، پتانسیل بروز چالش را دارند. موارد متعددی از تلاش برای سوءاستفاده از شبکه پستی کشف شده که بلافاصله با رفتاری متناسب با شرایط امنیتی و قانونی، با آنها برخورد صورت گرفته است.

پارک‌وی

دختران میناب در آسیا جاودانه شدند

وقتی روی سکوی افتخار ایستاد، فقط مدال و موفقیت را با خود نبرد؛ کوله‌پشتی دخترانی را به همراه داشت که رؤیاهایشان در حادثه مدرسه میناب نیمه‌تمام ماند. دختر ورزشکار و مخترع کشور، وقتی با ۲ پروژه علمی خود در بیست و پنجمین دوره مسابقات علمی و فناوری جوانان و نوجوانان آسیا در مالزی حضور پیدا کرد، بیش از هرچیز به فکر این بود که یاد و خاطره فرشته‌های مظلوم کشورش را برای همیشه در تاریخ این مسابقات ثبت کند.

لیلا کشاورزی در گفت‌وگو با برنامه «پارک‌وی» تلویزیون اینترنتی همشهری در این زمینه می‌گوید: این رویداد بیست و پنجمین مسابقات آسیایی جوانان و نوجوانان آسیا در بخش علمی- فناوری و اختراعات بود و من با ۲ پروژه در این مسابقات شرکت کردم که هر دو پروژه تا فینال این مسابقات رفت.

وی درباره روندی که منجر به ثبت جایزه یادبود دانش‌آموزان میناب در این مسابقات شد، می‌افزاید: برگزارکنندگان این رویداد با ما ابراز همدردی کردند اما ما این را کافی ندانستیم و از آنها خواستیم که جایزه نمادینی برای زنده نگهداشتن یاد شهدای دانش‌آموز میناب در این رویداد، درنظر گرفته شود. از این ایده استقبال شد و با وجود مشکلاتی که در این مسیر وجود داشت این ایده اجرایی شد.

کشاورزی، با اشاره به مشکلاتی که در مسیر ثبت این جایزه به نام بچه‌های میناب وجود داشت، ادامه می‌دهد: ما تا آستانه حذف از این مسابقات پیش رفتیم اما از تلاش دست نکشیدیم تا موفق شدیم در یک آوردگاه آسیایی جایزه‌ای با نام «Minab Elementary School» ثبت کنیم و بعد از این هرسال این جایزه را با نام «جایزه صلح میناب» در این مسابقات خواهیم داشت.

او اضافه می‌کند: ما تصور می‌کردیم لازم است برای حاضران در این مسابقات توضیح دهیم که چرا با کوله‌پشتی بچه‌ها روی سکو آمده‌ایم اما نکته جالب برای ما این بود که همه از ماجرای مظلومیت این فرشته‌ها باخبر بودند و حتی در کمال تعجب، تیم عربستان نخستین تیمی بود که برای کسب این جایزه به ما تبریک گفت.

شوک دریا به آسمان

افزایش شدید قیمت و نگرانی از کمبود سوخت، شرکت‌های هواپیمایی را مجبور به کاهش پروازها کرده است

گزارش

با تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی و اختلال در عبور نفتکش‌ها از تنگه‌هرمز، بازار جهانی انرژی با یکی از حساس‌ترین شوک‌های سال‌های اخیر مواجه شده است. این گذرگاه حیاتی که بخش قابل توجهی از نفت و فرآورده‌های نفتی جهان از آن عبور می‌کند، اکنون به گلوگاه بحران تبدیل شده و پیامدهای آن به‌سرعت صنعت هوانوردی را درگیر کرده است. افزایش شدید قیمت سوخت جت و نگرانی از کمبود عرضه، شرکت‌های هواپیمایی را ناگزیر به کاهش پروازها، حذف برخی مسیرها و بازنگری در برنامه‌های عملیاتی کرده است؛ تحولی که می‌تواند به افزایش هزینه سفر و اختلال در شبکه حمل‌ونقل هوایی جهانی منجر شود.

Scandinavian Airlines
هواپیمایی اسکاندیناوی
دفتر مرکزی: سولنا - سوئد
میزان پروازهای لغوشده: هزار پرواز در آوریل ۲۰۲۶

KLM
کی‌ال‌ام
دفتر مرکزی: آمستردام، هلند
میزان پروازهای لغوشده: ۱۶۰پرواز در آوریل ۲۰۲۶

Air New Zealand
ایر نیوزیلند
دفتر مرکزی: اوکلند، نیوزیلند
میزان پروازهای لغوشده: ۱۱۰۰پرواز تا پایان ۲۰۲۶

United Airlines
یونایتد ایرلاینز
دفتر مرکزی: شیکاگو، ایالات متحده
میزان پروازهای لغوشده: ۶۰هزار پرواز تا پایان ۲۰۲۶

Aer Lingus
ایر لینگاس
دفتر مرکزی: دوبلین، ایرلند
میزان پروازهای لغوشده: ۵۰۰پرواز

Vietnam Airlines
ویتنام ایرلاینز
دفتر مرکزی: هانوی، ویتنام
میزان پروازهای لغوشده: ۸۰۰پرواز تا پایان ۲۰۲۶

Ryanair
رایان ایر
دفتر مرکزی: اسوردز، ایرلند
میزان پروازهای لغوشده: ۸هزار پرواز تابستان ۲۰۲۶

Lufthansa
لوفتهانزا
دفتر مرکزی: کلن، آلمان
میزان پروازهای لغوشده: ۲۰هزار تا اکتبر ۲۰۲۶

اینفوگرافیک

پرچمدار اوپو به بازار آمد

شرکت اوپو پرچمدار جدید خود را با نام «فایند ایکس۹اولترا» راهی بازار کرد. این گوشی با تراشه اسنپدراگون ۸الیت نسل ۵، باتری ۷۰۵۰میلی‌آمپر ساعتی و قیمت پایه ۱۷۰۰ یورو عرضه شده است.

صفحه نمایش
۶٫۸۲اینچ

حافظه
۲۵۶و۵۱۲گیگا و یک‌ترابایت

دوربین اصلی
۲۰۰مگاپیکسل

رم
۱۲و۱۶گیگابایت

رزولوشن
۳۱۶۸×۱۴۴۰پیکسل

نجوم

اطلاعیه درباره روز نجوم سال ۱۴۰۵

کمیته آماتوری انجمن نجوم ایران با انتشار اطلاعیه‌ای، توضیحاتی را درباره روز نجوم سال ۱۴۰۵ ارائه کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: روز نجوم امسال، برابر با ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ است که مطابق روال سال‌های گذشته، برنامه‌ریزی‌های اولیه برای برگزاری این مناسبت از ماه‌ها پیش و از زمان مشخص شدن تاریخ آن در دی‌ماه، در کمیته آماتوری انجمن نجوم ایران آغاز شده بود. با این حال، رخدادها و شرایط پیش‌آمده در ماه‌های اخیر، برگزاری این مراسم را با دشواری‌های جدی روبه‌رو ساخت. بر همین اساس، کمیته آماتوری انجمن نجوم ایران اعلام می‌دارد که مراسم و برنامه‌های رسمی روز نجوم در موعد رسمی آن در سال ۱۴۰۵ اجرا نخواهد شد و برگزاری آن به زمان مناسب دیگری موکول می‌شود.

پیوند برادری تا آسمان‌ها

ایلیا شرفی، دانش‌آموز پایه هشتم و امیرحسین شرفی، دانش‌آموز پایه دوازدهم، ۲ برادر شیرازی بر اثر اصابت پرتابه دشمن صهیونیستی - آمریکایی در شامگاه چهارشنبه، پنجم فروردین به شهادت رسیدند. این ۲ برادر دانش‌آموز ساکن روستای شاپورجان در حومه شیراز بودند.

داغ رهبر شهید سنگین‌تر است

رفتار شهیدجواد ایجی، زبانزد عام و خاص بود و همه از نجابتش می‌گویند. مادر شهید می‌گوید: «داغ رهبر شهید از پسرش برای او سنگین‌تر است.» مادر سال‌هاست برای بانوان محل بدون دریافت پول، مداحی اهل‌بیت(ع) را می‌کند. شاید این مزد عمل خالصانه مادر است که نصیب پسر شده. جواد ۱۰اسفندماه به شهادت رسید.

www.hamshahrionline.ir
همشهری

فقط ۲ ماه از عروسی‌مان می‌گذشت

گفت‌وگو با همسر شهید ابوالفضل حسینعلی‌فردی که هنوز منزلش رنگ و بوی تازه‌عروس ها را دارد

گزارش

سیده‌کلثوم موسوی | خبرنگار | اهل مطالعه بود و بیشتر کتاب‌های علمی و زندگینامه شهدا را مطالعه می‌کرد. این تازه‌داماد که تنها ۲ماه از زندگی مشترکش می‌گذشت، تمام هم و غمش این بود که زودتر به خانه برگردد، انگار می‌دانست که عمر زندگی مشترکشان کوتاه است. کتاب‌های صوتی شهید آوینی را مرتب گوش می‌کرد و به همسرش می‌گفت: اینها درس زندگی است! ابوالفضل حسینعلی‌فردی، ۲۵ ساله یازدهم اسفند ۱۴۰۴ در حمله موشکی آمریکا و اسرائیل به فلکه چهارم تهرانپارس شهید شد. سراغ مهسان سلیمانی، همسر شهید، می‌رویم و با او درباره سبک زندگی این شهید گفت‌وگو کرده‌ایم.

عشق واقعی ابوالفضل خدا بود و این را می‌توان در همه زندگی‌اش به وضوح دید. مهسان سلیمانی از همسر شهیدش اینگونه می‌گوید: «در این مدت کوتاه که با هم زندگی کردیم هر لحظه که می‌گذشت مطمئن‌تر می‌شدم که نصیب او جز شهادت نخواهد بود. هر شب پادکست‌های شهید آوینی را گوش می‌کرد؛ چه می‌جویی عشق همین جاست چه می‌جویی انسان اینجاست / همه تاریخ اینجا حاضر است /..... به من هم می‌گفت: مهسان گوش کن درس زندگی است! عشق به شهدا را در چشمانش می‌دیدم. اهل مطالعه بود و کتاب‌های علمی می‌خواند. زندگینامه شهدا را هم هر روز مطالعه می‌کرد. کلا زمان را از دست نمی‌داد. رنگ آبی را دوست داشت و هر زمان می‌خواستم برایش لباس بخرم بیشتر رنگ آبی انتخاب می‌کردم. محل کارش فلکه‌چهارم تهرانپارس بود. او یک بچه هیئتی خوش‌اخلاق بود و با هر کسی از هر سن و سالی ارتباط داشت.»

ابوالفضل! کجای این آواری؟

گریه امانش را بریده اما ادامه می‌دهد: «۲۴اسفند ۱۴۰۳ عقد کردیم و دهم دی ماه ۱۴۰۴ عروسی گرفتیم و یازدهم‌اسفند ۱۴۰۴ پایان زندگی مشترکمان شد و ابوالفضل برای همیشه پر زد. قسمت شد چند روزی از ماه رمضان را با هم افطار کنیم. شب آخر با هم سحری خوردیم و نماز خواندیم. همسرم عادت نداشت جواب تلفنم را ندهد، فردای آن روز که رفت محل کار چندین مرتبه به او زنگ زدم، اما جواب نداد. دلشوره داشتم و تا افطار صبر کردم، اما طاقت نیاوردم و رفتم محل کارش و فهمیدم که به چه مصیبتی دچار شده‌ام. تمام ساختمان آوار شده بود، سیل جمعیتی که آنجا بودند و شیون و آه و ناله، پاهایم را سست کرد. فقط می‌لرزیدم و صدایم بالا نمی‌آمد که فریاد بزنم: ابوالفضل کجای این آواری؟ موشک درست خورده بود به ساختمان محل کارش و من برای همیشه او را از دست داده بودم.»

سفره‌دار بود

این خانه هنوز رنگ و بوی منزل تازه‌عروس‌ها را دارد اما تازه‌عروسی که عزادار است: «کودکان را دوست داشت و همیشه با بچه‌های فامیل بازی می‌کرد و برایشان خوراکی و هدیه می‌خرید. برای خوشحال کردن همه تلاش می‌کرد. به مناسبت تولد همه کیک می‌خرید. احترام من که همسرش بودم و بزرگ‌ترها را رعایت می‌کرد. هیچ کس بدی از او ندیده بود. با اینکه زندگی‌مان نوپا بود، اما سفره‌دار بود و دوست داشت هر شب مهمان دعوت کنیم. در کارهای منزل کمکم می‌کرد؛ مخصوصا وقتی که مهمان داشتیم، کلا پذیرایی با خودش بود. این طور تربیت شده بود. خیلی جایگاه خانم‌ها را محترم می‌دانست. از بیکاری بدش می‌آمد چون معتقد بود که در قیامت از وقتی که در این دنیا صرف کرده‌ایم سؤال می‌کنند. بنابراین، خودش را در اوقات فراغت مشغول فعالیت‌های مفید می‌کرد؛ حتی روزهای جمعه. همیشه پرانرژی بود و از صحبت کردن با او سیر نمی‌شدم.»

مکث

وصیتنامه‌ای که شب قبل از شهادت نوشته شد

مهسان سلیمانی سعی می‌کند بغضش را فرو ببرد و با صلابت و صبورتر از همسرش صحبت کند: «آخرین بار روز ۱۰اسفند بود که کلا حال عجیبی داشت. از سر کار که آمد، دگرگون بود. دفتری داشت که مخصوص دلنوشته‌هایش بود. آن شب هم نشست و نوشت؛ یعنی انگار به‌جای دلنوشته وصیت کرده بود. شاید به او الهام شده بود. تنهایی شام خورد و گفت که کلافه است و رفت دوش گرفت. یادکست شهید آوینی را گوش می‌کرد و می‌نوشت. حال و هوای متفاوت ابوالفضل مرا به دلهره انداخته بود که مبادا دارم او را از دست می‌دهم. جانمازم را انداختم و زار زار گریه کردم و فقط دعا کردم، آن شب از خدا خواستم برایم حفظش کند. اما انگار خواست من با خواست خدا فرق داشت و او را برد.»

مهسان سلیمانی در ادامه چنین تعریف می‌کند: «شب آخر طبق معمول دفترش را برداشت و شروع کرد به نوشتن، فکر کردم دارد طبق معمول دلنوشته می‌نویسد اما رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون. حالت صورتش و اضطرابی که برای نوشتن نشان می‌داد مشخص بود که دلنوشته نیست. بعد از شهادتش دفترش را باز کردم و چنین خواندم: توکل بر خدا ببینیم چه می‌شود و قسمت چیست. هر چه خدا بخواهد همان می‌شود. وصیتنامه‌ام را باید بنویسم که شاید فردا نیایم خانه. ولی خب باز باید ببینیم قسمت چه می‌شود و خدا برایم چه می‌خواهد. توکل به اسم اعظمت که آرامش دل‌هاست. ما منتظر و منتقم خون شهدایی هستیم که به خاطر ما رفتند. قسمت ما هم شهادت کن اگر لایق هستیم!»

نگاه

زهرا بلندی: روزنامه‌نگار

از چاپخانه مخفی تا سوسنگرد

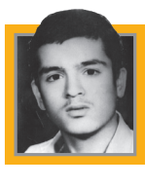

شهید محمد بنکدار پیش از آنکه در جبهه جنگ تحمیلی حاضر شود و نامش در فهرست شهدا بنشیند، در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی جزو گروهی متشکل از جوان‌های انقلابی همراه و همفکر بود که در آن‌روزها برای آرمان‌هایشان مبارزه می‌کردند.

نصرالله حدادی، تهران‌شناس که طی همراهی مستمر با این گروه انقلابی خاطرات زیادی از شهید محمد بنکدار دارد، می‌گوید: «حدود ۸۰ جوان ۲۰-۳۰ ساله بودیم. جلسات اعضای گروه را معمولاً در منزل پدری شهید محمد رواقی در خیابان تخت‌جمشید سابق برگزار می‌کردیم و کارمان این بود که کتاب‌های مذهبی و انقلابی را به صورت مخفیانه چاپ و در شهرستان‌های مختلف توزیع کنیم.» حدادی درباره خاطراتش با شهید بنکدار که ۲۸ آبان ۱۳۵۹، در سوسنگرد بر اثر اصابت ترکش شهید و در بهشت‌زهرای تهران به خاک سپرده شد، می‌گوید: «شهید بنکدار به علت آشنایی با نحوه شلیک «آرپی جی ۷» قصد داشت از داخل یک ساختمان در شهر سوسنگرد، تانک عراقی‌ها را منهدم کند که با اصابت یک گلوله به پیشانی‌اش به شهادت رسید.» او بیشتر درباره شهید بنکدار توضیح می‌دهد: «بیشتر بچه‌های مذهبی سیاسی آن روزگار به دلیل اینکه امکان دستگیری ساواک وجود داشت، ازدواج نمی‌کردند اما در این میان شهید محمد بنکدار از جمله معدود افراد متأهل در جمع ما بود و فرزندی خردسال به نام ابوذر داشت. محمد خیلی شوخ و بذله‌گو بود. یادم هست هدیه عروسی برای من یک پاره آجر که داخل کاغذ کادویی پیچیده بود و یک بسته هم نمک آورد. یادم نیست که لبخند از روی لب‌های محمد دور شود. وقتی شهید شد در مسجد امام‌حسین(ع) برایش ختم گرفتیم و مراسم تشییعش هم بسیار شلوغ و باشکوه بود.» شهید محمد بنکدار متولد خیابان وحدت اسلامی و از دانشجویان انقلابی بود.

روایت تهران

حمله به محل اقامت آخرین سفیر آمریکا در تهران

حمله هوایی رژیم صهیونیستی در روز چهارشنبه ۱۲ فروردین، ساختمان سفارت سابق آمریکا در تهران هدف قرار داد. در جریان این حمله، محل اقامت و دفتر ویلیام سالیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران، تخریب شد. این مجموعه پس از تصرف در آبان ۱۳۵۸ توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) با عنوان موزه «لانه جاسوسی» شناخته می‌شود. به همین بهانه در ادامه به تاریخچه این مجموعه پرداخته‌ایم. معمار این مجموعه «ایدس وان در گراکت» بود؛ چهره‌ای اثرپشی تبار که تحصیلات معماری خود را در نیویورک گذراند و به‌دلیل همکاری با نهادهای رسمی آمریکا، پروژه‌های مهمی را در کارنامه داشت. طراحی سفارت‌های آمریکا در شهرهایی مانند آنکارا و کپنهاگ و همچنین مشارکت در ساخت پنتاگون، از جمله سوابق برجسته او به شمار می‌رود. او این بنا را در سال ۱۳۲۷ شمسی در خیابان طالقانی ساخت. حاصل کار او در تهران، ساختمانی بود با ساختاری ساده اما حساب‌شده؛ بنایی که در ظاهر فاقد تجملات رایج بود، اما در جزئیات فنی، استحکام، انتخاب مصالح و جای‌گیری در بافت شهری، دقت فراوانی در آن دیده می‌شد. نحوه استقرار ورودی‌ها و ارتباط مجموعه با دیگر سفارتخانه‌های تهران نیز نشان می‌داد که همه چیز بر اساس برنامه‌ریزی قبلی انجام شده است. سبک مورد استفاده در این پروژه، متأثر از الگوی رایج ساخت مدارس آمریکا در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ میلادی بود؛ شیوه‌ای که با عنوان «هنرسون های» شناخته می‌شد. در این سبک، زیبایی بنا بیشتر از نظم فضایی و هماهنگی اجزای داخلی حاصل می‌شود تا تزئینات بیرونی. به همین دلیل، اتاق‌ها با ترتیبی منظم در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و کل ساختمان همچون مجموعه‌ای یکپارچه عمل می‌کند. در محوطه ۱۵هزار متری این مجموعه، اقامتگاهی جداگانه برای سفیر نیز ساخته شد. این ساختمان با نمای آجری و طراحی ساده، از نظر متریال و زبان معماری هماهنگ با ساختمان اصلی بود.